

سنجش توانش استفاده از راهبردهای یادگیری در زبان انگلیسی با اهداف پلیسی^۱

رسول نجار باغسیاه^۲

مهری ذبیحی^۳

رضا صالحی^۴

چکیده

توانش راهبردهای یادگیری در محیط انگلیسی با اهداف ویژه (از جمله انگلیسی با اهداف پلیسی) اخیراً مورد توجه محققان حوزه آموزش زبان انگلیسی قرار گرفته است. از طرفی شناسایی راهبردهای یادگیری، میزان استفاده از آنها و نحوه بکارگیری آنها توسط زبان آموزان می تواند یادگیری زبان آنها را تسهیل کند. بنابراین این مطالعه تلاشی است تا با استفاده از روش های توصیفی و ابزار پرسشنامه نحوه استفاده از راهبردهای شناسایی شده در حوزه یادگیری زبان انگلیسی را در میان زبان آموزانی که انگلیسی را با اهداف پلیسی فرا می گیرند بررسی نماید. داده های لازم از طریق توزیع پرسشنامه استاندارد شده در بین جامعه آماری ۱۲۰ بدست آمده است. تحقیق نشان داد دانشجویانی که انگلیسی را با اهداف پلیسی مطالعه می کنند در استفاده از راهبردهای فراشناختی فراوانی بیشتری را نشان می دهند. آنها در عین حالی که کمترین فراوانی را در استفاده از راهبردهای عاطفی نشان می دهند اما بیشترین

۱ این مقاله بخش تکمیلی از مطالعه پژوهشی است که بخشی از نتایج آن در مقاله «بررسی راهبردهای زبان انگلیسی در بین دانشجویان دانشگاه علوم نظامی امین» (نجار باغسیاه و همکاران، ۱۳۹۲) منتشر شده است.

۲ نویسنده مسئول، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم نظامی E-mail: najjar.rasool@police.ir

۳ مربی وزارت آموزش و پرورش

۴ مدرس معاونت تربیت و آموزش ناجا

اهمیت را به این نوع راهبردها می‌دهند. همچنین بطور کلی این دسته از فراگیران از راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی در سطح متوسط استفاده می‌کنند. تحقیق پیشنهادی را برای اساتید زبان انگلیسی با اهداف پلیسی (زبان تخصصی دانشگاهی) ارائه می‌کند.

کلید واژه

انگلیسی با اهداف پلیسی، فهرست راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی آکسفورد، آموزش راهبرد محور، روش تدریس زبان انگلیسی.

مقدمه

انگلیسی با اهداف پلیسی زیرمجموعه انگلیسی با اهداف ویژه و دانشگاهی تعریف می‌شود (نجارباغسیاه و صالحی، ۱۳۹۲؛ نجارباغسیاه و صالحی، ۱۳۹۷). بنابراین محیط آموزشی که دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی در آن تحصیل می‌کنند همزمان محیط زبان انگلیسی با اهداف ویژه و زبان انگلیسی با اهداف دانشگاهی به حساب می‌آید و می‌تواند از هر دو جنبه مورد واکاوی قرار گیرد. راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی توسط فراگیران در چنین محیطی نیازمند مطالعه و تحقیق بیشتر است.

از راهبردهای یادگیری^۱ زبان انگلیسی تعابیر مختلفی همچون مهارت‌های یادگیری، مهارت‌های فکر کردن و مهارت‌های حل مسئله شده است (آکسفورد^۲، ۱۹۹۰؛ براون^۳، ۲۰۰۰). در مطالعاتی نیز راهبردهای یادگیری همگام با تغییر نگاه از معلم و روش‌های تدریس به یادگیرنده مطرح شد (ماکارو^۴، ۲۰۰۱). با این رویکرد، مطالعات متعددی (اومالی و چاموت^۵، ۱۹۹۰؛ چاموت^۶، ۲۰۰۴؛ آکسفورد^۱، ۱۹۹۰) به بررسی

1 learning strategies

2 Oxford

3 Brown

4 Macaro

5 O'Malley and Chamot

6 Chamot

راهبردهای یادگیری در زبان انگلیسی پرداختند. نایج مطالعات منجر به یک شیوه جدید در آموزش زبان انگلیسی منجر گردید که فراگیری راهبرد محور^۲ نام گرفت و در نتیجه راهبردها مبنایی برای تولید متون و نیز ارائه روش‌های تدریس در زبان انگلیسی گردیدند (کوهن^۳، ۱۹۹۸؛ هیل^۴، ۱۹۹۴).

بنظر می‌رسد، محیط انگلیسی با اهداف پلیسی از این شیوه‌ها و متون راهبردمحور مغفول مانده است چرا که مطالعات دامنه‌داری در این حوزه مشاهده نمی‌شود. بنابراین تحقیق حاضر تلاشی است تا نشان دهد که توانشی با نام راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی در محیط زبان انگلیسی با اهداف پلیسی وجود دارد و در عین حال تلاش می‌کند تا جنبه‌هایی از ماهیت این توانش را توصیف نماید.

سوالات تحقیق

در این مطالعه به سوالات ذیل پاسخ داده می‌شود:

توانش راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی در محیط زبان انگلیسی با اهداف پلیسی در چه سطحی قرار دارد؟

۲- فراوانی مولفه‌های توانش راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی در محیط زبان انگلیسی با اهداف پلیسی چگونه است؟

ادبیات نظری پژوهش

زبان انگلیسی با اهداف پلیسی: نظریات زبان انگلیسی با اهداف ویژه و دانشگاهی مبین وجود زبان انگلیسی با اهداف پلیسی نیز خواهد بود؛ چرا که زبان انگلیسی با اهداف پلیسی متغیری است که وجود آن در مطالعات مختلفی بتوان متغیر وابسته و مستقل مسلم فرض شده است و بنابراین می‌تواند الگوهای یادگیری مختص به خود را نیز داشته باشد (بویل و

1 Oxford
2 strategies-based instruction
3 Cohen
4 Hill

چرسان^۱، ۲۰۰۹؛ مسلم^۲، ۱۹۸۴؛ نجار باغسیاه و صالحی، ۱۳۹۲؛ ۱۳۹۷؛ نعمتی و نجار باغسیاه، ۱۳۹۳).

راهبردهای یادگیری: راهبردهای یادگیری به نظریه شناخت^۳ مربوط است (ماکارو^۴، ۲۰۰۱). بر اساس نظریه ماکارو (۲۰۰۱)، شناخت روشی است که ذهن بوسیله آن اطلاعات را برای مدت کوتاهی در خود نگهداری کرده (حافظه کوتاه مدت) و بعد این اطلاعات را ذخیره کرده و بعد از آن اقدام به انتخاب و بازیابی و سپس پردازش آنها می کند. بر اساس این نظریه دو فرایند در دو نقطه متفاوت از ذهن وجود دارد: حافظه فعال^۵ و حافظه بلند مدت^۶. اطلاعات ابتدا از دنیای خارج وارد حافظه فعال شده و در این قسمت برای مدت کوتاهی (در حد ثانیه) ماندگار است و سپس وارد حافظه بلند مدت شده و در آنجا به گره ها^۷ و نهایتاً به گزاره ها^۸ تبدیل می شوند (ماکارو^۹، ۲۰۰۱؛ آزابیل^{۱۰}، ۱۹۶۵ به نقل از براون^{۱۱}، ۲۰۰۰). اما تبدیل شدن به گزاره از طریق حافظه فعال انجام می شود. به عبارت دیگر درست است که اطلاعات در حافظه فعال برای مدت کوتاهی نگهداری می شوند اما این حافظه فعال است که مسئول انتخاب اطلاعات، تبدیل آنها، یافتن روش هایی برای ذخیره سازی و بازیابی آنها از حافظه بلند مدت است. وقتی چیزی به یاد آورده می شود حافظه فعال آن را در گزاره های تشکیل شده در حافظه بلند مدت جستجو و بازیابی می کند. این فرایند در بازیابی انواع اطلاعات صورت گرفته و تفاوت تنها در مدت زمان بازیابی خواهد بود. به هر

-
- 1 Boyle and Chersan
 - 2 Mossallem
 - 3 cognition
 - 4 Macaro
 - 5 working memory
 - 6 long-term memory
 - 7 node
 - 8 proposition
 - 9 Macaro
 - 10 Azabel
 - 11 Brown

میزان که یک گزاره بیشتر بازیابی گردد سرعت انتقال آن از حافظه بلندمدت به دنیای خارج از طریق حافظه فعال کمتر می‌گردد و در نهایت احساس می‌شود که این کار اوتوماتیک است. برابر این نظریه می‌توان استنباط کرد که جایگاه راهبردهای یادگیری در حافظه فعال یادگیرنده است. راهبردها می‌توانند روش‌های کنترل شده‌ای برای به یادآوری باشند.

راهبردهای یادگیری زبان دوم نیز برداشت‌هایی از این نظریه هستند چرا که اکثر نظریه پردازان زبان دوم در مطالعات و بررسی‌های خود به وجود راهبردهای شناختی^۱ در یادگیری زبان دوم اشاره کرده‌اند (اومالی و چاموت^۲، ۱۹۹۰؛ آکسفورد^۳، ۱۹۹۰؛ کوهن و همکاران^۴، ۲۰۰۶). می‌توان گفت چنانچه از راهبردهای درست و مناسبی در یادگیری زبان استفاده شود به افزایش مهارت^۵ و اعتماد به نفس^۶ منجر می‌شود (آکسفورد^۷، ۱۹۹۰).

پیشینه تجربی پژوهش

روند کلی مطالعات در حوزه راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی نشان می‌دهد که این راهبردها در سه حوزه مورد بررسی و مطالعه محققان قرار گرفته است (سارانی، قسولی و نجارباغسیاه^۸، ۲۰۱۲). حوزه اول را آندسته از مطالعاتی به خود اختصاص می‌دهند که به مطالعه چارچوب‌های نظری راهبردهای یادگیری پرداخته و بیشتر سعی در ارائه تعاریف صحیح از راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی داشته‌اند. دسته دوم مطالعاتی هستند که بدنبال ارائه دسته بندی‌های مختلف از راهبردهای زبان انگلیسی بوده‌اند و دسته سوم نیز مطالعاتی هستند که به بحث و بررسی پیرامون روش‌های شناسایی راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی و نیز تاثیر انواع متغیرها بر راهبردهای یادگیری پرداخته‌اند.

1 cognitive strategies

2 O'malley and Chamot

3 Oxford

4 Cohen, Oxford and Chi

5 proficiency

6 self-confidence

7 Oxford

8 Sarani, Ghonsooly and Najjarbaghseyah

در اکثر مطالعات مفهوم راهبردهای یادگیری با راهبردهای یادگیری زبان یکسان قلمداد گردیده و تعاریف مشابهی برای هر دو معرفی شده‌اند. راهبردهای یادگیری یعنی دانستی‌ها و افعال آگاهانه‌ای که فراگیران در جهت نیل به یادگیری استفاده می‌کنند (براون^۱، ۲۰۰۰؛ چاموت^۲، ۲۰۰۴؛ آکسفورد^۳، ۱۹۹۰). راهبردهای یادگیری اقداماتی هستند که فراگیر در فراگیری، ذخیره سازی، بازیابی و استفاده از اطلاعات بکار می‌گیرد (ریگنی^۴، ۱۹۷۸). براون^۵ (۲۰۰۰) به لحاظ زبان‌شناسی راهبردهای یادگیری را به راهبردهای ارتباطی^۶ نزدیکتر دانسته و معتقد است در راهبردهای یادگیری بر فرایندهای دروندادی^۷ یادگیری زبان تاکید می‌شود در حالی که در راهبردهای ارتباطی تاکید بر فرایندهای بروندادی^۸ است. اما بطور کلی تقریباً تمامی تعاریف راهبردهای یادگیری را یکسان تعریف نموده‌اند.

مطالعات توصیفی زیادی انجام شده است تا دسته بندی جامعی از انواع راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی را معرفی نماید. (رابین^۹، ۱۹۷۵؛ استرن^{۱۰}، ۱۹۷۵؛ آکسفورد^{۱۱}، ۱۹۹۰؛ اومالی و چاموت^{۱۲}، ۱۹۹۰؛ کوهن^{۱۳}، ۱۹۹۸). در نتیجه این دسته بندی‌ها محققان توانستند در شناسایی انواع راهبردهای یادگیری از تکنیک‌های تحقیقاتی خاص هر نوع راهبرد استفاده کرده و نیز در آموزش راهبردهای یادگیری، درجه اهمیت هر راهبرد را مشخص نمایند. بر این اساس راهبردهای یادگیری را به شش دسته تقسیم می‌کنند:

-
- 1 Brown
 - 2 Chamot
 - 3 Oxford
 - 4 Rigney
 - 5 Brown
 - 6 communication strategies
 - 7 input
 - 8 output
 - 9 Rubin
 - 10 Stern
 - 11 Oxford
 - 12 O'Malley and Chamot
 - 13 Cohen

راهبردهای ذهنی، راهبردهای شناختی، راهبردهای جبرانی، راهبردهای فراشناختی، راهبردهای عاطفی و راهبردهای اجتماعی. راهبردهای ذهنی^۱ تکنیک‌هایی هستند که فراگیر با کمک آنها مطالب زبانی را از ذهن خود بازیابی و آنها را به یاد می‌آورد. به‌عنوان مثال «من کلمات جدید را در جمله به کار می‌برم تا بتوانم آنها را به یاد آورم» یک راهبرد ذهنی است. راهبردهای شناختی^۲ به فراگیر کمک می‌کنند تا بدانند یادگیری در وی به‌عنوان یک یادگیرنده چگونه اتفاق می‌افتد و اینکه سبک یادگیری او به چه صورت است. راهبردهای شناختی محدود به هر موضوع خاص بوده و در هر نوع مطلب می‌تواند متفاوت باشد. به‌عنوان مثال اگر یک نفر فراگیر زبان انگلیسی در مواجهه با کلمات جدید از راهبرد «من کلمات جدید انگلیسی را چندین بار می‌گویم یا می‌نویسم» استفاده کند این راهبرد وی یک راهبرد شناختی خواهد بود. راهبردهای جبرانی^۳ آندسته راهبردهایی هستند که فراگیر در هنگام مواجهه با عدم دانش زبانی و برای جبران این کمبود از آنها استفاده می‌کند. به‌عنوان مثال اگر یادگیرنده‌ای در موقعیت «برای آنکه لغات ناآشنای انگلیسی را بفهمم، معنی آنها را حدس می‌زنم» قرار گیرد این راهبرد وی راهبردی جبرانی خواهد بود. راهبردهای فراشناختی^۴ به یادگیرنده کمک می‌کنند تا یادگیری خود را برنامه‌ریزی و مدیریت کند. به‌عنوان مثال عبارت «من برنامه‌ریزی دارم، بنابراین، زمان کافی برای مطالعه انگلیسی خواهم داشت» یک راهبرد فراشناختی می‌باشد. راهبردهای عاطفی^۵ به یادگیرندگان کمک می‌کند تا بتوانند بر نحوه احساسات و عواطف خود در فرایند یادگیری تاثیر گذاشته و این احساسات را مطابق با نوع فعالیت یادگیری خود تنظیم نمایند. به‌عنوان مثال زمانی که یک فراگیر احساس می‌کند در لحظه شروع به صحبت در زبان

1 Memory strategies

2 Cognitive strategies

3 Compensation strategies

4 Metacognitive strategies

5 Affective strategies

انگلیسی ترس دارد تلاش می‌کند تا بخود دلگرمی داده و ترس خود را از یاد ببرد راهبرد انتخابی وی راهبردی عاطفی است. راهبردهای اجتماعی^۱ آندسته از راهبردهایی هستند که به یادگیرندگان این امکان را می‌دهند تا زبان انگلیسی را از طریق ارتباطات اجتماعی فرا گیرند. به‌عنوان مثال «من سؤالاتم را به انگلیسی می‌پرسم» یک راهبرد اجتماعی است. این دسته بندی ششگانه محققان را قادر ساخت تا مشاهدات و توصیفات خود از تکنیک‌هایی که یادگیرندگان در فرایند یادگیری استفاده می‌کنند را دسته بندی و نیز بتوانند راهبردهای فراگیران موفق را از راهبردهای فراگیران ناموفق تشخیص دهند.

با معرفی دسته بندی فوق برای شناسایی مصادیق راهبردها نیز تلاش‌هایی صورت گرفت. برخی از محققین از طریق مشاهده، برخی از طریق مصاحبه و بسیاری از طریق تنظیم پرسشنامه تلاش کردند تا فهرست جامعی از راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی را معرفی نمایند. روش پرسشنامه علی‌رغم محدودیت‌های آن (چاموت^۲، ۲۰۰۴) بدلیل روایی یافته‌های آن توانست جایگاه خوبی در میان محققان پیدا کند. در مطالعه تاثیرگذاری که آکسفورد^۳ (۱۹۹۰) انجام داد تعداد ۵۰ راهبرد عمومی که تقریباً توسط تمامی زبان آموزان انگلیسی یعنی آنهایی که انگلیسی را به‌عنوان زبان دوم خود مطالعه می‌کنند استفاده می‌شود شناسایی گردید. این راهبردها که به «فهرست راهبردهای یادگیری زبان^۴» معروف شد در حال حاضر به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزار جمع‌آوری داده در مطالعات مرتبط با راهبردهای یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌عبارت دیگر این فهرست به محققان کمک می‌کند تا بتوانند فراوانی راهبردهای یادگیری را در بین زبان آموزان مورد مطالعه قرار دهند.

فهرست راهبردهای یادگیری زبان در فرهنگ‌های مختلف و از جمله در بین زبان آموزان ایرانی نیز مورد مطالعه قرار گرفته تا الگو و روند استفاده از انواع راهبردها را در

1 Social strategies

2 Chamot

3 Oxford

4 Strategy Inventory for Language Learning

این فرهنگ‌ها مطالعه کند. در مطالعه‌ای که بر روی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور انجام گرفت فهرست راهبردهای یادگیری به‌عنوان ابزار سنجش راهبردهای یادگیری استفاده گردید (زاهدی و دری منش^۱، ۲۰۰۸). در این مطالعه محققان بدنبال آن بودند تا رابطه بین موفقیت در یادگیری را با فراوانی استفاده از راهبردهای یادگیری فراشناختی مورد مطالعه قرار دهند. در این تحقیق فرض بر آن بود که هر چه میزان استفاده از راهبردهای یادگیری فراشناختی بیشتر باشد فراگیران در یادگیری خود مستقل‌تر عمل می‌کنند که این استقلال^۲ به نوبه خود به موفقیت در یادگیری منجر می‌شود. در این مطالعه تنها یک بخش از راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی (راهبردهای فراشناختی) مورد مطالعه قرار گرفت و سایر بخش‌های آن نادیده گرفته شد. بنابر این شاید بتوان گفت روایی ابزار سنجش تحقیق تا حدودی مخدوش شده است. در مطالعه دیگری بر روی زبان آموزان موسسه زبان ایران فهرست راهبردهای یادگیری زبان نشان داد که تدریس فشرده^۳ زبان و نیز تدریس عادی هر دو بر فراوانی استفاده از راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی تاثیر گذار بوده و آن را ارتقا می‌بخشد. راهبردهای یادگیری زبان آموزان ایرانی در محیط دانشگاهی نیز مورد مطالعه قرار گرفته است (سارانی، قنسولی و نجارباغسیاه^۴، ۲۰۱۲). این تحقیق که بر روی زبان آموزان از راه دور^۵ انجام شد نشان داد ایرانیانی که انگلیسی را با اهداف دانشگاهی مطالعه می‌کنند در استفاده از راهبردهای یادگیری جزء دسته متوسط بحساب می‌آیند. همچنین تحقیق نشان داد این دسته از فراگیران راهبردهای فراشناختی را بیشتر از سایر راهبردها استفاده می‌کنند. با این وجود، نتایج این مطالعه صرفاً به زبان آموزان از راه دور قابل تعمیم است و نمی‌تواند در محیط‌های یادگیری متعارف مورد استناد باشد.

1 Zahedi and Dorrimanesh

2 autonomy

3 intensive

4 Sarani, Ghonsooly, and Najjarbaghseyah

5 Distance language learners

تحقیقات فوق با تمام مزایا و محدودیت‌های آن نشان می‌دهد هر چند راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی در موفقیت در یادگیری این زبان نقش بسزایی دارند اما تاکنون مطالعات محدودی در حوزه بررسی فراوانی این راهبردها در محیط زبان انگلیسی با اهداف پلیسی انجام گرفته است. از طرف دیگر بررسی در میان مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد هیچ مطالعه مدونی در خصوص فراوانی و تعیین میزان (بالا، متوسط، پایین) استفاده از راهبردها در بین زبان‌آموزانی که انگلیسی را با اهداف پلیسی مطالعه می‌کنند انجام نگرفته است.

روش‌شناسی تحقیق

بر اساس تقسیم‌بندی نونان^۱ (۲۰۰۹) که روش‌های تحقیق در حوزه زبان دوم را تعریف و دسته‌بندی نموده‌اند، تحقیق حاضر بلحاظ طرح تحقیق یک تحقیق غیر تجربی از نوع پیمایشی، بلحاظ جمع‌آوری داده تحقیقی کمی و از حیث نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها تحقیقی آماری است.

ابزار گردآوری داده‌ها

داده‌های کمی از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردیده‌اند. در این تحقیق از پرسشنامه استاندارد شده «فهرست راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی» جهت جمع‌آوری داده استفاده شده است. این ابزار برای اولین بار در مرکز زبان‌های خارجی وزارت دفاع آمریکا استفاده گردید (آکسفورد^۲، ۱۹۹۶). این پرسشنامه تا اواخر سال ۱۹۹۵ میلادی بیش از ۱۰۰۰۰ بار در مطالعات مختلف مورد ارزیابی و تایید قرار گرفته است (آکسفورد^۳، ۱۹۹۶). نسخه‌های متفاوتی از «فهرست راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی» معرفی گردید که در تحقیق حاضر از نسخه ۷،۰ که بمنظور مطالعه در بین غیرانگلیسی‌زبانان طراحی گردیده و در مجموع از ۵۰ جمله مثبت به‌عنوان متغیر تشکیل استفاده شده است. این پرسشنامه از ۶ بخش تشکیل شده است: بخش اول شامل ۹ متغیر بوده و راهبردهای ذهنی را مورد سنجش قرار می‌دهد،

1 Nunan

2 Oxford

3 Oxford

بخش دوم از ۱۴ متغیر تشکیل شده و راهبردهای شناختی را میسنجد، بخش سوم ۶ متغیر داشته و راهبردهای جبرانی را ارزیابی می‌کند، بخش چهارم شامل ۹ متغیر بوده و راهبردهای فراشناختی را اندازه‌گیری می‌کند، بخش پنجم از ۶ متغیر تشکیل شده و راهبردهای عاطفی را بررسی می‌کند و بخش ششم از پرسشنامه که شامل ۶ متغیر است راهبردهای اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کند. جهت اندازه‌گیری راهبردها در هر جمله از مقیاس لیکرت^۱ استفاده شده است بدین ترتیب که از شرکت کنندگان خواسته شده به هر جمله از ۱ (خیلی کم) تا ۵ (خیلی زیاد) نمره دلخواه بدهند. مدت زمان در نظر گرفته شده برای کامل کردن پرسشنامه ۳۰ دقیقه منظور گردیده است.

روایی و پایایی تحقیق بدلیل استفاده از ابزارهای استاندارد مسلم فرض گردیده است. در تحقیقاتی که از پرسشنامه فهرست راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی استفاده می‌کنند نشان داده شده است که روایی و پایایی تحقیق بسیار بالا خواهند بود (آکسفورد و بری ستاک^۲، ۱۹۹۵). در سال ۱۹۹۶ آکسفورد پایایی پرسشنامه را در فرهنگ‌های مختلف بررسی کرد و به این نتیجه رسید که این پرسشنامه در هر دو شکل انگلیسی و غیر انگلیسی (شکل ترجمه) و در تمامی جوامع مورد بررسی دارای پایایی بالا (2=98) می‌باشد. وی همچنین در خصوص اثبات روایی این ابزار معتقد است که پرسشنامه فهرست راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی از روایی ساختار^۳ برخوردار است چرا که تمامی اجزاء و متغیرهای بکار رفته در آن با عملکرد زبانی^۴ رابطه‌ای مستقیم دارد. جهت حفظ روایی در ترجمه پرسشنامه از شیوه ترجمه معکوس^۵ استفاده شده است (نونان^۶، ۲۰۰۹). در این روش ابتدا متن اصلی پرسشنامه توسط یک نفر مترجم مسلط به هر دو زبان به فارسی برگردان می‌شود و سپس همین متن

1 Likert

2 Oxford and Burry-Stock

3 construct validity

4 Language performance

5 back translation

6 Nunan

ترجمه شده توسط یک نفر مترجم دیگر به زبان اولیه (انگلیسی) برگردانده می شود. سپس ترجمه نهایی انگلیسی شده از پرسشنامه با شکل اصلی آن در زبان انگلیسی مقایسه می شود که در صورت عدم مغایرت صحت استفاده از آن مورد تایید است.

نمونه تحقیق

تحقیق حاضر در دانشگاه علوم انتظامی انجام شده است و از بین دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی تعداد ۱۲۰ نفر از دانشجویانی که زبان انگلیسی را با اهداف پلیسی و بصورت واحد دانشگاهی زبان تخصصی مطالعه می کنند بصورت در دسترس انتخاب شده اند. این افراد همگی دانشجویان پسر هستند که زبان انگلیسی را در دوره های تخصصی رسته ای و با اهداف تخصصی رسته خود مطالعه می کنند. ملاک تعیین سطح شرکت کنندگان قبولی در آزمون زبان انگلیس عمومی بوده است.

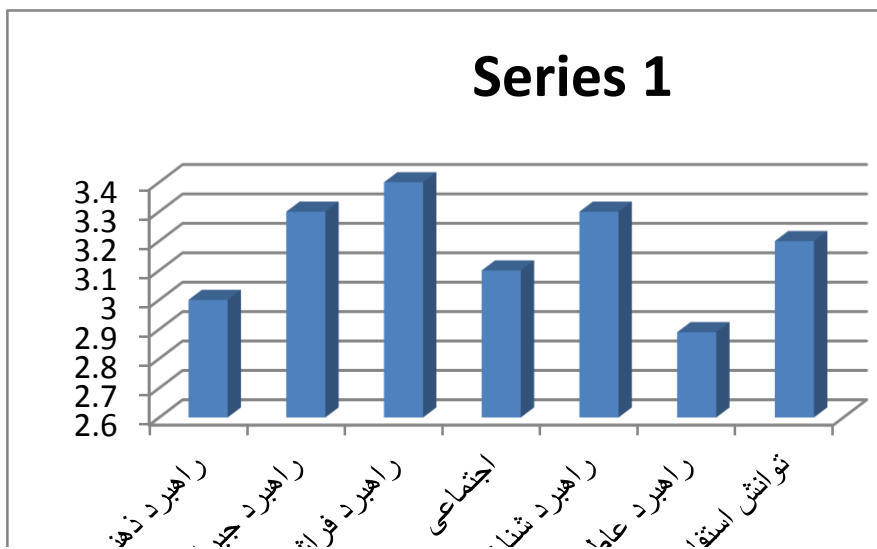
شیوه تجزیه و تحلیل داده ها

آن طور که آکسفورد معرفی نموده است بدین ترتیب است که هر متغیر دارای یک نمره ۱ تا ۵ خواهد بود و مجموع این نمرات در یک بخش از پرسشنامه بر تعداد متغیرها تقسیم می شود که نمره بدست آمده معرف میانگین نمره فرد شرکت کننده در آن بخش خاص است. میانگین های بدست آمده در هر بخش قابل مقایسه با یکدیگر و نیز با میانگین بدست آمده از کل متغیرها می باشد و نیز می توان هر فرد را بر همین اساس با سایر افراد شرکت کننده مقایسه کرد. به عبارت دیگر با اعداد بدست آمده مشخص می شود که افراد مطالعه شده از کدام بخش از راهبردها بیشتر از بقیه آنها استفاده می کنند. بنا به نظر آکسفورد میانگین ۳,۵ تا ۵,۰ به معنای سطح استفاده زیاد، ۲,۵ تا ۳,۴ به معنای سطح استفاده متوسط و ۱,۰ تا ۲,۴ به معنای سطح استفاده پایین از راهبردهای مورد سنجش هستند.

نتایج تحقیق و یافته ها

سوال اول تحقیق: توانش راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی در محیط زبان انگلیسی با اهداف پلیسی در چه سطحی قرار دارد؟

نتایج نشان می‌دهند (نمودار ۱) که سطح استفاده از توانش راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی در محیط زبان انگلیسی با اهداف پلیسی، سطح متوسط (میانگین = ۳,۲) است. به عبارت دیگر فراگیران در یادگیری زبان سطح متوسطی را دارند. این سطح در مورد همه مولفه‌های تشکیل دهنده این توانش نیز متوسط است. بر اساس نتایج سطح استفاده زبان آموزان در راهبردهای ذهنی متوسط (میانگین = ۳) است. راهبردهای ذهنی آندسته از راهبردها هستند که بمنظور حفظ کردن ذهنی نکات از آنها استفاده می‌شود (جدول ۵). در راهبردهای شناختی فراگیران سطح متوسط (میانگین = ۳,۳) را گزارش کرده‌اند. در راهبرد شناختی فراگیر به گویه‌هایی جواب داده است که به او کمک می‌کند تا برای یادگیری خود راهکارهایی را ایجاد کند مثلاً کلمات را دسته بندی می‌کند (جدول ۶). سطح بدست آمده در خصوص راهبردهای جبرانی متوسط (میانگین = ۳,۳) است. منظور از راهبردهای جبرانی راهبردهایی هستند که فراگیر برای جبران دانش ناکافی خود و غلبه بر نادانسته‌ها از آنها کمک می‌گیرد (جدول ۳). فراگیران سطح متوسط را به راهبردهای فراشناختی (میانگین = ۳,۴) داده‌اند. منظور از راهبردهای فراشناختی راهبردهایی هستند که به خود ارزشیابی، نظارت بر یادگیری خود، نظارت بر خطاها و اشتباهات و به عبارت دیگر تفکر در مورد فرایندهای ذهنی اشاره دارند (جدول ۱). در راهبردهای عاطفی فراگیر سعی می‌کند احساسات خود را مدیریت کند. این راهبردها که سطح آنها بر اساس نتایج تحفیف متوسط (میانگین = ۲,۶۹) گزارش شده است می‌تواند احساساتی باشد که یادگیری را تسهیل و یا آن را با مانع مواجه می‌کند (جدول ۴). در راهبردهای اجتماعی که بر اساس نتایج سطح متوسط (میانگین = ۳,۱) در آن گزارش شده است فراگیر سعی می‌کند از طریق ارتباطات برقرار کردن با دیگران مانند سوال پرسیدن (جدول ۲) مطالب جدید یاد بگیرد.



سوال دوم تحقیق: فراوانی مولفه‌های توانش راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی در محیط زبان انگلیسی با اهداف پلیسی چگونه است؟

مطالعه نشان داد که راهبردهای فراشناختی یادگیری زبان انگلیسی بیشترین استفاده را در میان سایر راهبردها داشته‌اند (جدول ۱). راهبردهای سنجش شده در این مطالعه ۹ راهبرد بوده‌اند.

جدول ۱ راهبردهای فراشناختی

من تلاش می‌کنم تا حد امکان روش‌های زیادی را برای به کار بردن زبان انگلیسی پیدا کنم.
من به اشتباهات انگلیسی خود توجه می‌کنم و از آنها برای تقویت انگلیسی خود کمک می‌گیرم.
وقتی کسی انگلیسی صحبت می‌کند با دقت به حرف‌های وی گوش توجه می‌کنم.
من تلاش می‌کنم بفهمم چگونه می‌توانم زبان انگلیسی را بهتر فراگیرم.
من برنامه‌ریزی دارم، بنابراین، زمان کافی برای مطالعه انگلیسی خواهم داشت.
همواره به دنبال افرادی می‌گردم که بتوانم با آنها انگلیسی صحبت کنم.
همواره به دنبال فرصت‌هایی هستم که بتوانم تا حد امکان به زبان انگلیسی مطالبی را بخوانم.
من برای تقویت مهارت‌های انگلیسی خود اهداف مشخصی دارم.
من به میزان پیشرفت خود در فراگیری زبان انگلیسی توجه دارم.

راهبرد اجتماعی از طریق ۵ گویه سنجش شده اند (جدول ۲) و درصد فراوانی ۱۷ را در مقایسه با سایر راهبردها (نمودار ۲) و ۵۷ (نمودار ۳) در مقایسه با کل راهبردها را بخود اختصاص داده است.

جدول ۲ راهبردهای اجتماعی

من از انگلیسی زبانان می‌خواهم وقتی صحبت می‌کنم اشتباهاتم را اصلاح کنند.
من انگلیسی را با سایر دانشجویان تمرین می‌کنم.
من از انگلیسی زبانان تقاضای کمک می‌کنم.
من سؤالاتم را به انگلیسی می‌پرسم.
۱- من تلاش می‌کنم در باره فرهنگ انگلیسی زبانان اطلاعاتی کسب کنم.

راهبردهای جبرانی در این مطالعه از طریق ۶ گویه سنجش شده اند (جدول ۳) و درصد فراوانی ۱۷ را در مقایسه با سایر راهبردها (نمودار ۲) و ۴۷ (نمودار ۳) در مقایسه با کل راهبردها را بخود اختصاص داده است.

جدول ۳ راهبردهای جبرانی

رای آنکه لغات ناآشنای انگلیسی را بفهمم، معنی آنها را حدس می‌زنم.
وقتی نمی‌توانم در یک مکالمه به زبان انگلیسی کلمه‌ای را به خاطر آورم، از حرکات سر و دست استفاده می‌کنم.
اگر کلمه انگلیسی مورد نظر را ندانم، لغت جدیدی می‌سازم.
من متن انگلیسی را می‌خوانم بدون آنکه به دنبال یافتن معانی تمام کلمات جدید باشم.
من تلاش می‌کنم آنچه را که شخص می‌خواهد به زبان انگلیسی بگویم حدس بزنم.
من اگر نتوانم یک لغت انگلیسی را به یاد آورم از لغت یا عبارتی که همان معنی را دارد استفاده می‌کنم.

راهبردهای عاطفی که با ۷ گویه سنجش شده است (جدول ۴) نیز کمترین فراوانی را در میان نمونه مورد مطالعه به خود اختصاص داده‌اند. بر این اساس درصد فراوانی این راهبردها ۱۶ را در مقایسه با سایر راهبردها (نمودار ۲) و ۶۳ (نمودار ۳) در مقایسه با کل راهبردها را بخود اختصاص داده است.

جدول ۴ راهبردهای عاطفی

هر زمان که احساس می‌کنم از به کار بردن زبان انگلیسی ترس دارم، سعی می‌کنم آرامش خود را حفظ کنم.
حتی زمانی که می‌ترسم اشتباه کنم، به خودم دلگرمی می‌دهم و سعی می‌کنم به زبان انگلیسی صحبت کنم.

زمانی که در زبان انگلیسی پیشرفت می‌کنم، به خودم جایزه می‌دهم یا برای خود خوراکی یا نوشیدنی می‌خرم.
وقتی به انگلیسی مطالعه می‌کنم یا انگلیسی را به کار می‌برم متوجه اضطراب یا نگرانی خود هستم.
من احساسات خود در باره یادگیری زبان را در دفتر خاطراتم می‌نویسم.
من در باره اینکه وقتی انگلیسی یاد می‌گیرم چه احساسی دارم با دیگران صحبت می‌کنم.
اگر چیزی را به انگلیسی نفهمم از شخص می‌خواهم تا آهسته‌تر صحبت کند یا آن را تکرار کند.

راهبردهای ذهنی با ۹ گویه سنجش شده است (جدول ۵). درصد فراوانی این راهبردها ۱۶ را در مقایسه با سایر راهبردها (نمودار ۲) و ۵۶ (نمودار ۳) در مقایسه با کل راهبردها را بخود اختصاص داده است.

جدول ۵ راهبردهای ذهنی

من به رابطه بین آنچه که می‌دانم و آنچه که به عنوان چیزهای جدید از زبان انگلیسی یاد می‌گیرم فکر می‌کنم.
من کلمات جدید را در جمله به کار می‌برم تا بتوانم آنها را به یاد آورم.
برای آنکه بتوانم کلمه را به یاد آورم صدای کلمه جدید انگلیسی را با تصویر یا عکسی از کلمه در ذهنم ربط می‌دهم.
من کلمه جدید انگلیسی را با ساختن تصویری ذهنی از موقعیتی که کلمه در آن به کار می‌رود به یاد می‌آورم.
من از آهنگ موزون برای به یادآوری کلمات جدید انگلیسی استفاده می‌کنم.
من برای به یاد آوردن کلمات جدید انگلیسی از فلش کارت استفاده می‌کنم.
من با حرکات بدنی، ادای کلمات جدید انگلیسی را درمی‌آورم.
من درس‌های انگلیسی اغلب را مرور می‌کنم.
من کلمات یا عبارات جدید انگلیسی را با به خاطر آوردن محل آنها بر روی صفحه، روی تخته سیاه یا روی تابلوهای خیابان را به یاد می‌آورم.

راهبردهای شناختی با ۱۴ گویه سنجش شده است (جدول ۶). درصد فراوانی این راهبردها ۱۶ را در مقایسه با سایر راهبردها (نمودار ۲) و ۵۵ (نمودار ۳) در مقایسه با کل راهبردها را بخود اختصاص داده است.

جدول ۶ راهبرد شناختی

من کلمات جدید انگلیسی را چندین بار می‌گویم یا می‌نویسم.
من تلاش می‌کنم تا مانند انگلیسی زبان‌ها صحبت کنم.
من صداهای انگلیسی را با خودم تمرین می‌کنم.
من کلمات انگلیسی را که می‌دانم به روش‌های مختلف بکار می‌برم.
من به زبان انگلیسی مکالمه می‌کنم.
من برنامه‌های تلویزیونی به زبان انگلیسی را تماشا می‌کنم یا به دیدن فیلم‌های انگلیسی زبان می‌روم.
من برای تفریح و سرگرمی مطالبی به زبان انگلیسی می‌خوانم.
من یادداشت‌ها، پیام‌ها، نامه‌ها یا گزارش‌های خود را به انگلیسی می‌نویسم.
من ابتدا یک متن انگلیسی را به صورت مروری می‌خوانم (کل متن را سریع می‌خوانم)، سپس برمی‌گردم و با دقت آن را می‌خوانم.
من برای کلمات جدید انگلیسی به دنبال لغاتی در زبان مادری خود می‌گردم که شبیه کلمات انگلیسی هستند.
من سعی می‌کنم ساختارها و الگوهای زبان انگلیسی را پیدا کنم.
من معنی یک لغت انگلیسی را با تقسیم آن به اجزایی که برایم قابل فهم است، می‌فهمم.
من تلاش می‌کنم که لغت به لغت ترجمه نکنم.
من مطالبی را که به انگلیسی می‌شنوم یا می‌خوانم خلاصه می‌کنم

جهت بهتر نشان دادن این نتایج، درصد استفاده از هر راهبرد نسبت به سایر راهبردها نیز مشخص گردیده اند (نمودار ۲).



این درصد در مقایسه با کل راهبردها نیز قابل توجه است. نمودار ۳ درصد استفاده از هر راهبرد را نسبت به مجموع راهبردها نشان می دهد. بر این اساس راهبردهای عاطفی بیشترین درصد استفاده را در مقایسه با مجموع راهبردها داشته اند. نمودار ۳



بحث و نتیجه گیری

بر اساس نتایج تحقیق می توان گفت که دانشجویانی که زبان انگلیسی را با اهداف پلیسی مطالعه می کنند بصورت کلی در یادگیری خود از راهبردهای یادگیری در سطح متوسط آن استفاده می کنند. این بدان معنا است که توانشی بنام توانش راهبردهای یادگیری زبان دوم در محیط انگلیسی با اهداف پلیسی در بین فراگیران وجود دارد. این یافته با سایر مطالعات انجام گرفته در این حوزه مطابقت دارد و مطالعات مشابهی که در میان زبان آموزان ایرانی انجام گرفته است نیز همین سطح استفاده را گزارش نموده اند (سارانی، قنسولی و نجارباغسیاه^۱، ۲۰۱۲؛ زاهدی و دری منش^۲، ۲۰۰۸؛ نجارباغسیاه، خباز، نجارباغسیاه، ذبیحی، ۱۳۹۲). اما بر اساس نتایج این توانش در محیط زبان انگلیسی با اهداف پلیسی به ترتیب از راهبردهای فراشناختی، راهبرد جبرانی، راهبرد اجتماعی، راهبرد شناختی و راهبرد عاطفی تبعیت می کند که شاید بتوان گفت این محیط بیشتر راهبرد فراشناختی را در دانشجویان پرورش می دهد. هر چند که با قطعیت نمی توان گفت آیا این تاکید بر میزان استفاده بیشتر از راهبردهای فراشناختی زاینده محیط زبان انگلیسی با اهداف پلیسی است و یا نوع فراگیر بر اساس دانش گذشته خود این راهبردها را بیشتر استفاده می کند.

نتایج نشان می دهند که رفتار دانشجویان در مورد همه انواع راهبردهای یادگیری مشابه است. بدین معنی که تمامی راهبردها در یک سطح مورد استفاده قرار گرفته اند. شاید دلیل این رفتار عدم آگاهی فراگیران از اهمیت انواع راهبردها باشد. به عبارت دیگر فراگیران از تاثیرات انواع راهبردها بر نحوه یادگیری خود بی اطلاع اند و تمامی آنها را ناآگاهانه یکسان استفاده می کنند (نجارباغسیاه، خباز، نجارباغسیاه، ذبیحی، ۱۳۹۲). بر اساس این نتایج، نمی توان گفت که آموزش زبان انگلیسی به ماموران پلیس یک آموزش راهبرد محور است چرا که سطح استفاده از راهبردها این راهبرد محوری را نشان نمی دهد.

1 Sarani, Ghonsooly, and najjarbaghseyah

2 Zahedi and Dorrimanesh

در پاسخ به سوال دوم تحقیق باید گفت که بر اساس نتایج تحقیق راهبردهای فراشناختی در میان فراگیران فراوانی بیشتری داشته‌اند و در مورد راهبردهای عاطفی این فراوانی از سایر راهبردها کمتر بوده است. این یافته نیز در مطالعات مشابه در ایران و سایر کشورها نشان داده شده است (سارانی، قنسوولی و نجارباغسیاه^۱، ۲۰۱۲). راهبردهای فراشناختی به فراگیران کمک می‌کنند تا نحوه یادگیری خود را مدیریت و کنترل نمایند و استفاده از این راهبردها به معنای آنست که فراگیر هنگام یادگیری توجهی آگاهانه^۲ به یادگیری خود دارد. این توجه آگاهانه تا حد زیادی به یادگیری کمک می‌کند اما در حوزه زبان دوم می‌تواند بجای فراگیری^۳ به یادگرفتن^۴ منجر شود. تفاوت میان فراگرفتن و یادگیری در این است که فراگیری زبان بمعنای استفاده از آن مانند زبان مادری است و فراگیر براحتی و بدون آنکه بخواهد به ساختار تولید زبان توجهی کند جملات خود را تولید می‌کند اما زبانی که یادگیری در آن اتفاق می‌افتد یادگیرنده هنگام تولید جملات مجبور به یادآوری ساختار مناسب بوده و نمی‌تواند در اداء جملات روانی^۵ داشته باشد. با توجه به این مطلب باید گفت در آموزش راهبردهای فراشناختی لازم است تا راهبردها بنحوی آموزش داده شوند که منجر به مانع فراگیری زبان انگلیسی در فراگیر نشوند. از طرفی راهبردهای عاطفی که دارای کمترین میزان فراوانی بوده‌اند اما بیشترین توجه را در بین فراگیران بخود جلب می‌کنند باید تقویت گردند. راهبردهای عاطفی به فراگیر کمک می‌کند تا از موانع احساسی که بر سر راه فراگیری وی اتفاق می‌افتد به روش صحیح آن اجتناب نماید (آکسفورد^۶، ۱۹۹۰). از آنجا که ترس از یادگیری زبان انگلیسی می‌تواند از نتایج سطح استفاده پایین از این راهبردها باشد، بهتر آنست که اساتید حوزه زبان انگلیسی در آموزش

1 Sarani, Ghonsooly and Najjarbaghseyah

2 conscious

3 acquisition

4 learning

5 fluency

6 Oxford

این راهبردها تلاش نمایند تا راهبردهایی را که باعث ایجاد ترس، اضطراب و نگرانی در فراگیران می‌شوند را کاهش دهند. به‌عنوان مثال اگر ترس از یادگیری زبان انگلیسی وجود دارد باید راهبرد عاطفی مناسب آن را جستجو کرده و آن را به فراگیران آموزش داد. این راهبرد در پرسشنامه تحت عنوان «وقتی به انگلیسی مطالعه می‌کنم یا انگلیسی را به کار می‌برم متوجه اضطراب یا نگرانی خود هستم» مورد سنجش قرار گرفته است.

به‌طور کلی می‌توان گفت در محیط زبان انگلیسی راهبردهای یادگیری زبان چندان مورد استفاده فراگیران نبوده است که صرف نظر از اینکه چه عاملی مانع آن بوده است می‌توان گفت که مشخصه این محیط راهبرد-محور نبودن آموزش زبان انگلیسی با اهداف پلیسی یا همان زبان تخصصی از دیدگاه زبان آموزان است. این نتیجه با نتایج مطالعه قبلی محقق (نجا باغسیاه، خباز، نجا باغسیاه، ربیعی، ۱۳۹۲) که در خصوص زبان عمومی نیز با تعداد کمتری از دانشجویان انجام شده است کاملاً مشابه است. این بدان معنا است که شاید دلیل استفاده کمتر از راهبردها محیط آموزشی است که بر راهبرد تاکید کمتری دارد. این ادعا را می‌توان با این نتیجه که میزان استفاده از راهبردهای عاطفی در زبان آموزان پلیس کمتر از بقیه راهبردها است نیز ثابت کرد. به‌عبارت دیگر محیط نظامی در یادگیری زبان انگلیسی در فراگیران تاثیر معنا داری دارد که این ادعا می‌تواند در تحقیقات بیشتر دنبال شود.

پیشنهادهای تحقیق

با توجه به نتایج تحقیق راهکارای ذیل پیشنهاد می‌شود:

- ۱- از آنجا که این تحقیق از ابزار پرسشنامه‌ای استفاده کرده است می‌توان با استناد به منابع ذکر شده و نیز ادبیات تحقیق نسبت به شناسایی راهبردهای یادگیری زبان در انگلیسی با اهداف پلیسی اقدام و با انجام یک مطالعه کیفی-کمی راهبردهای ویژه دانشجویان پلیس را شناسایی و اعتبارسنجی نمود.

۲- پیشنهاد می شود اساتید دانشگاه که زبان انگلیسی با اهداف پلیسی را تدریس مینمایند از آموزش راهبردهای یادگیری به دانشجویان پلیس در ابتدای ترم و یا در طرح درس خود استفاده نمایند.

۳- می توان در تهیه متون درسی ویژه آموزش زبان انگلیسی با اهداف پلیسی، بر اساس راهبردهای یادگیری اقدام به طرح بندی دروس نمود و منابع آموزشی را بر این اساس تولید نمود.

۴- محیط زبان انگلیسی با اهداف پلیسی نیاز به تولید ادبیات بیشتر در جهت شناسایی مولفه های تاثیرگذار در این محیط را دارد. لذا پیشنهاد تهیه طرح های پژوهشی با این رویکرد قابل ارائه است.

۵- راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی در این تحقیق از دیدگاه فراگیران سنجیده شده است و پیشنهاد می شود تا از دیدگاه معلمان و اساتید آموزش زبان انگلیسی با اهداف پلیسی این دیدگاهها بررسی شود.

منابع

- استرکی، ا.، دادوند، ب. (۱۳۸۹). بررسی فرایند آموزش زبان انگلیسی افسران ناجا: نیاز سنجی، آسیب شناسی و طرح پیشنهادها. مدیریت بر آموزش انتظامی، ۳(۱)، ۲۲-۱.
- بهرنگی، م.ر. (۱۳۸۹). نقشه مفهومی مطلوب ساخت شناخت و دانش: تزریق برنامه ریزی درسی به مراحل آموزش و تاثیر آن در یادگیری. مدیریت بر آموزش انتظامی، ۳(۱)، ۴۸-۲۳.
- نجم‌باغسیاه، رسول، خباز، مجید، نجارباغسیاه، رضا، و ذبیحی، مه‌ری. (۱۳۹۲). بررسی راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی در بین دانشجویان. اندیشه‌های نو در تعلیم و تربیت نیروی انتظامی، ۱(۱)، ۹۵-۱۱۲.
- نجم‌باغسیاه، رسول، و صالحی، رضا. (۱۳۹۷). زبان انگلیسی با اهداف پلیسی: ارزیابی اساتید زبان انگلیسی از کتاب درسی «انگلیسی برای ماموران انتظامی». فصلنامه آموزش در علوم انتظامی، ۱۷(۱)، ۲۰۹-۲۳۴.
- نجم‌باغسیاه، رسول، و نعمتی، مجید. (۱۳۹۳). تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای فرمول‌های کلامی در آموزش زبان انگلیسی به مأموران پلیس. فصلنامه آموزش در علوم انتظامی، ۴(۲)، ۱۰۵-۱۲۶.

- Boyle, C. & Chersan, I. (2009). *English for law enforcement*. UK: Macmillan University Press.
- Brown, H. D. (2007). *Principles of language learning and teaching*. (5th ed.). NY: Pearson Education, Inc.
- Chamot, A. U. (2004). Issues in language learning strategy research and teaching. *Electronic Journal of foreign language teaching*; 1(1). Retrieved 1 November 2010, from <http://e-flt.nus.edu.sg>.
- Cohen, A. (1998). *Strategies in Learning and Using a Second Language*. New York: Addison Wesley Longman.
- Cohen, A., Oxford, R.L. and Chi, J. (2006). Language strategy use survey. Retrieved 14 April 2011, from

- http://www.carla.umn.edu/about/profiles/CohenPapers/Lg_Strat_Srvy.html
- Hill, B. (1994). Self managed learning. *Language teaching*;27, 213-223.
- Macaro, E. (2001). *Learning strategies in foreign and second language classrooms*. London: Continuum.
- Mossallem, E. A. (1984). English for Police Officers in Egypt. *The ESPJournal*, 3, 171-181.
- Nunan, D. (2009). *Exploring Second Language Classroom Research: A Comprehensive Guide*. USA: Heinle, Cengage Learning.
- O'Malley, J.M. and Chamot, A.U. (1990). *Learning Strategies in Second Language Acquisition*. New York: Cambridge University Press.
- Oxford, R. (1990). *Language learning strategies: What every teacher should know*. Boston, MA: Heinle & Heinle.
- Oxford, R. (1996). Employing a Questionnaire to Assess the Use of Language Learning Strategies. *Applied Language Learning*, 7(1 & 2), 25-45
- Oxford, R.L. & Burry-Stock, J.A. (1995). Assessing the use of language learning strategies worldwide with the ESL/EFL version of the Strategy Inventory for Language Learning. *System*, 23(1), 1-23.
- Rigney, J. W. (1978). Learning strategies: A theoretical perspective. In H. F. O'Neil, Jr. (Ed.), *Learning strategist* (pp. 165-205). New York: Academic Press.
- Rubin, J. (1975). What the "good language learner" can teach us. *TESOL Quarterly*, 9, 41-51.
- Sarani, A.; Ghonsooly, B. & Najjar, R. (2012). *Language Learning Strategies of EAP Distance Language Learners: A Study of Moodle-Based Distance Language Learning Context*. USA: LAP LAMBERT Academic Publishing.
- Stern, H.H. (1975). What can we learn from the good language learner? *Canadian Modern Language Review*, 31, 304-318.
- Zahedi, K., Dorrimanesh, P. (2008). Metacognitive learning strategies and academic success of TEFL M.A. Students in distance education. *International Journal of Criminology and Sociological Theory*, 1(2), 161-